

84102 - آیا عشقی که به ازدواج منجر می شود حرام است؟

سوال

عشقی که قرار است به ازدواج منجر شود حرام است؟

پاسخ مفصل

اولا:

رابطه ای که میان مرد و زن نامحرم شکل می گیرد و مردم به آن «عشق» می گویند در حقیقت مجموعه ای از حرامها و ممنوعات شرعی و اخلاقی است.

هیچ عاقلی در حرام بودن اینگونه روابط شک نمی کند زیرا در بر گیرنده مجموعه ای از حرامها است از جمله: خلوت کردن مرد با زن نامحرم و نگاه به او و سخنان پر از اظهار عشق و علاقه که باعث تحریک غرایز و شهوت هاست و چه بسا به مراحل بدتر منجر شود چنانکه بارها مشاهده شده است.

پیش تر در پاسخ به سوال (84089) به برخی از این حرامها اشاره کردیم که می توانید به آن مراجعه نمایید.

ثانیا:

آمارها و پژوهشها ثابت کرده که بیشتر ازدواجهای مبنی بر عشق قبلی میان مرد و زن به شکست انجامیده، حال آنکه بیشتر ازدواجهایی که قبل از آن عشق و روابط حرام نبوده و مردم آن را «ازدواج سنتی» می نامند غالبا موفق بوده است.

بنابر پژوهشی میدانی که توسط یک جامعه شناس فرانسوی به نام سال ژور دان انجام گرفته «ازدواجهایی که دو طرف آن قبل از ازدواج در عشق واقع نشده اند بیشتر موفق هستند».

در پژوهشی دیگر توسط جامعه شناسی به نام اسماعیل عبدالباری که بر روی ۱۵۰۰ خانواده انجام شده این نتیجه به دست آمده که بیش از ۷۵٪ ازدواجهای حاصل از عشق به طلاق منتهی شده در حالی که این نسبت در ازدواجهای سنتی - یعنی ازدواجهایی که مبنی بر عشق قبل از ازدواج نبوده - کمتر از ۵٪ بوده است.

از مهم ترین اسبابی که به این نتیجه منجر می شود می توان این موارد را نام برد:

۱. شور عاطفی که باعث ندیدن عیب‌ها و روبرو نشدن با آن می‌شود یا چنانکه در مثل عربی آمده: **«چشم خشنودی از دیدن هر عیبی ناتوان است»**. چه بسا یکی از دو طرف یا هر دو عیب‌هایی داشته باشند که باعث شود برای طرف مقابل مناسب نباشد، اما این عیب‌ها تنها بعد از ازدواج ظاهر می‌شود.

۲. دو عاشق گمان می‌کنند زندگی یک سفر عاشقانه بی‌انتهاست، برای همین جز از عشق و رویاهای عاشقانه سخنی دیگر نمی‌گویند... اما مشکلات زندگی و راه‌های مواجهه با آن هیچ سهمی از سخنان آنها ندارد و این گمان واهی پس از ازدواج نابود می‌شود و هر دو طرف با مشکلات زندگی و مسئولیت‌هایش روبرو می‌شوند.

۳. دو عاشق عادت به گفتگو و بحث و مناقشه ندارند بلکه عادت کرده‌اند در هر موردی برای رضایت دیگری فداکاری کنند و از حق خود بگذرند و حتی گاه سر اینکه یک طرف می‌خواهد از حق خودش بگذرد و دیگری را خشنود کند با هم بحث و جدل می‌کنند! اما بعد از ازدواج قضیه برعکس می‌شود و هرگونه گفتگویی به مشکل برمی‌خورد زیرا هر یک از دو طرف به فداکاری طرف مقابل عادت کرده است.

۴. تصویری که هر یک از دو عاشق از خود برای دیگری به نمایش می‌گذارند تصویر حقیقی آنها نیست. نرم‌خویی و مهربانی و فداکاری برای راضی کردن طرف مقابل و همه این‌ها در حقیقت تصویری است که دو عاشق تلاش می‌کنند در مدت زمانی که رابطه عاشقانه نام دارد از خود نمایش دهند ولی این کار را نمی‌توان در طول زندگی انجام داد و بعد از ازدواج تصویر خود واقعی آنها ظاهر می‌شود و به همراه آن مشکلات هم خود را نشان می‌دهند.

۵. مدت رابطه عاشقانه غالباً بر رویا و مبالغه‌هایی استوار است که با واقعیت ازدواج هم‌خوانی ندارد. مرد عاشق به معشوقه‌اش تکه‌ای از ماه را وعده می‌دهد و راضی نخواهد شد مگر آنکه او را خوشحال‌ترین زن جهان کند... در مقابل زن هم جز او کسی را نمی‌خواهد و به یک اتاق و خوابیدن روی زمین راضی است و همین که او را به دست آورده کافی است! یا چنانکه یکی از قول عاشقی نقل می‌کند که: **«لأنه گنجشک برایمان کافی است»** و **«یک لقمه نام هم بس است»** و **«به من پنیر و زیتون بده»**! که همه‌اش سخنان عاطفی پر از مبالغه است و خیلی سریع پس از ازدواج آن را فراموش می‌کنند... زن از بخیلی همسرش شکایت می‌کند که به خواسته‌های او کم توجه است و مرد از زیاده‌خواهی همسرش و هزینه‌های او می‌نالند.

بنابر همین اسباب و اسباب دیگر. تعجب نمی‌کنیم اگر هر یک از دو طرف پس از ازدواج ادعا کنند که فریب خورده‌اند و عجله کرده‌اند و مرد از این که چرا با زنی که خانواده‌اش به او پیشنهاد داده بودند ازدواج نکرده و زن از این پشیمان است که چرا با فلان مرد که خانواده‌اش با او موافق بودند اما به خاطر دلخواه او ردش کردند ازدواج نکرد...

نتیجه اش همین نسبت بالای طلاق در میان مردان و زنانی است که همه گمان می کردند خوشبخت ترین زوج دنیا خواهند شد!

ثالثاً:

اسبابی که پیش تر بیان شد همه عوامل حسی و ظاهری هستند که واقعیت شاهد صحت آن است. جز آنکه نباید از سبب اصلی شکست اینگونه ازدواج ها غافل شویم و آن برپا شدن این زندگی ها بر گناه است. اسلام ممکن نیست این روابط گناه را تایید کند حتی اگر قرار باشد به ازدواج منجر شود و برای همین مجازات عادلانه پروردگار در انتظار چنین کسانی است. الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾

[طه: ۱۲۴]

(و هر که از یاد من روی گردان شود در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت).

یک زندگی تنگ و دردناک در نتیجه معصیت خداوند و روی گردانی و بی توجهی به وحی او.

پروردگار متعال می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

[اعراف: ۹۶]

(اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم)

بنابراین برکت الهی پادشاه ایمان و تقوا است و هرگاه ایمان و تقوا در میان نباشد یا کم باشد، برکت نیز کم شده یا کاملاً از بین می رود.

همچنین پروردگار متعال می فرماید:

﴿أَفَمَن أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ حَبِيراً أَمْ مَّن أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شِقَاٍ جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

[توبه: ۱۰۹]

(آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایهٔ تقوا و خشنودی الله نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مُشرف به سقوط پی ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می افتد؟ و الله گروه ستمکاران را هدایت نمی کند)

بنابراین کسی که ازدواجش بر این اساس حرام بنا شده باید فوراً توبه کند و آمرزش بخواهد و زندگی صالحی را ادامه دهد که قوامش بر ایمان و تقوا و عمل صالح باشد.

برای اطلاع بیشتر به سوال شمارهٔ (23420) مراجعه کنید.

والله اعلم